

هم پول مان را می گیرند؛ هم عربده می کشند «برگردید ایران»

روایتی شنیده نشده و غم انگیز از توهین مرزبانی ترکیه به توریست‌های ایرانی

ابراهیم فاطمی

چند وقتی است که ویدئوهایی از برخی درگیری‌های شهروندان ترک با توریست‌ها و مهاجران در سطح اینترنت پخش می‌شود. در یکی از آن‌ها ملاحظا گارسون‌های یک رستوران به سمت توریست‌های عرب حمله می‌شوند. در یک مورد دیگر، در استانبول می‌خواهند یک توریست کویتی را که با ماشین به این کشور رفته، از اتومبیلش بیرون بکشند و کتک بزنند؛ چسرا که نیم‌چه تصادفی اتفاق افتاده است. اما اگر این سوال مطرح شود که «آیا این بد رفتاری‌ها با ایرانی‌ها هم صورت می‌گیرد؟» این جاست که بعضی تازه می‌شود؛ توریست‌هایی که از ایران پول برمی‌دارند و به کشورهای اطراف می‌روند و خرج می‌کنند ولی گاه اتفاق می‌افتد که مورد بد رفتاری واقع می‌شوند. در یکی، دو سال اخیر، بد رفتاری با ایرانی‌ها در گرجستان خیلی خبر ساز شده. در ترکیه و دبی و ... هم مواردی از این دست را داشته‌ایم. سئوالی که در این میانه مطرح است این که: چه مرجعی باید از حرمت و عزت و حقوق توریست‌های ایرانی در کشورهای همسایه و دیگر کشورها دفاع کند؟ آیا کشورهای مقصد به هر گونه که مایل باشند، می‌توانند با ایرانی‌ها غیر محترمانه برخورد کنند و کسی نیست که از گردشگران ایرانی حمایت کند؟ به نظر می‌رسد که وزارت خارجه به دادن توضیحات واضح و بدیهی قناعت کرده و انتظار زیادی نباید از آن داشت. اخیراً روایت‌هایی از بد رفتاری با توریست‌های ایرانی در مرز ترکیه به دست «توسعه ایرانی» رسیده که تکان دهنده است. به گفته یک مسافر شهروان، اگر وضعیتی که هفته گذشته در مرز رازی دچار آن شد، کمی به طول می‌انجامد، احتمالاً الان داشتیم از یک فاجعه در حد و اندازه فاجعه منا در مکه صحبت می‌کردیم؛ که البته نه خبری از آن به بیرون درز پیدا می‌کرد و نه کسی به خودش زحمت داد که در این باره پرس و جویی کند. روایت یکی از مسافران وان ترکیه از این واقعه را پیش رو دارید؛ اتفاقی که در پنجشنبه بیست و ششم مرداد ماه، از ده صبح تا ۱۴ تا دوام داشت و می‌توانست تلفات جانی داشته باشد.

مقام وزارت ارشاد:

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از حمله ناجوانمردانه توریست‌ها به گشت کلاتری در شهرستان سیب‌سوران و شهادت یک مامور انتظامی خبر داد. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سردار دوستعلی جلیلیان در تشریح جزئیات این خبر گفت: سر نشینان یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ مبادرت به حمله به دو واحد گشتی پلیس شهرستان سیب‌سوران کردند که منجر به مجروحیت ۳ نفر از ماموران پلیس شد. به گفته وی، به رغم تلاش تیم پزشکی و کادر درمان ستوان دوم «علی بیژنی» متاهل و دارای دو فرزند دختر و اهل شهرستان اراک در این حمله تروریستی جان باخت.



شهادت مامور پلیس در حمله تروریستی به گشت کلاتری

مقام وزارت ارشاد:

مقام وزارت ارشاد: «مراکز زیر زمینی» سینمایی شروع می‌شود

مقام وزارت ارشاد:

مدیر کل دفتر توسعه فناوری سینمایی و سمعی بصری سازمان سینمایی وزارت ارشاد اعلام کرده به زودی بر خورد با مراکز زیر زمینی - پیش‌تیبانی سینمایی در کشور آغاز خواهد شد. محمدرضا فرجی دیروز به ایرنا گفت: در این زمینه آیین‌نامه‌های مادر مرحله باز نویسی نهایی است و باید به تأیید مقام عالی وزارت ارشاد برسد. وی تصریح کرد: آماری از تعداد این مراکز به صورت دقیق وجود ندارد. این اظهارات چند روز پس از آن است که برخی رسانه‌های ایران خبر دادند؛ فیلمبرداری فیلمی بانام «کلپاره» که «به شکل زیر زمینی» در ایران در حال تولید بود. جلوگیری شده است. اما در واکنش به این اقدام، کارگردان فیلم «کلپاره» در واکنش گفت: «وزارت ارشاد کاملاً در جریان فیلم قرار داشت.»

وزیر بهداشت خبر داد:

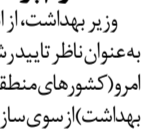
وزیر بهداشت از انتخاب جمهوری اسلامی ایران به عنوان ناظر تأیید رشته‌های علوم پزشکی در منطقه امر (کشورهای منطقه مدیترانه شرقی) سازمان جهانی بهداشت؛ از سوی سازمان جهانی آموزش پزشکی خبر داد. به گزارش ایرنا، بهرام عین‌اللهی در حاشیه یک گردهمایی علمی گفت که این دستور در سفر مقامات WFME (سازمان جهانی آموزش پزشکی) به ایران و بازدید آنان از مراکز علمی و دانشگاهی کشور مان رقم خورده است.

کشته و ۱۱ مصدوم در پی واژگونی مینی بوس در ورزقان

در پی سقوط یک مینی بوس به دره‌ای در شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی، دست کم ۶ نفر کشته و ۱۱ نفر دیگر مصدوم شدند. به گزارش ایسنا، سخنگوی اورژانس استان آذربایجان شرقی، در گفت و گو با رسانه‌ها افزود: این حادثه ساعت ۶:۲۴ صبح جمعه مقابل دانشگاه آزاد ورزقان رخ داده است. وحیدشادی‌نیا، از اعزام اورژانس هوایی و شش دستگاه آمبولانس اورژانس به محل واژگونی مینی بوس در شهرستان ورزقان خبر داد.

وزیر آموزش و پرورش:

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه سر نوشت کنکور را قانون تعیین می‌کند، عنوان کرد: کنکور فعلاً حذف نمی‌شود. به گزارش مهر، رضامراد صحرایی در عین حال افزود: ضربت تأثیر قطعی امتحانات دوره متوسط که امسال برای پایه دوازدهم ۴۰ درصد بود، سال بعد به ۵۰ درصد می‌رسد. به گفته وی، سال آینده کل امتحانات نهایی هستند و سال بعدی ۶۰ درصد برای هر سه پایه ده، یازده و دوازده در نظر گرفته می‌شود.



وزیر آموزش و پرورش و پرورش: کنکور فعلاً حذف نمی‌شود

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه سر نوشت کنکور را قانون تعیین می‌کند، عنوان کرد: کنکور فعلاً حذف نمی‌شود. به گزارش مهر، رضامراد صحرایی در عین حال افزود: ضربت تأثیر قطعی امتحانات دوره متوسط که امسال برای پایه دوازدهم ۴۰ درصد بود، سال بعد به ۵۰ درصد می‌رسد. به گفته وی، سال آینده کل امتحانات نهایی هستند و سال بعدی ۶۰ درصد برای هر سه پایه ده، یازده و دوازده در نظر گرفته می‌شود.

گزارش

ترک‌ها رفتیم. مشکل از همین جا بود که شروع شد. دقیقاً یک ربع مانده به رسیدن ما برای چک کردن مدارک، مرز را بستند. هوا به شدت گرم بود و ما هم منتظر ماندیم تا بعد از یک ربع یا نهایتاً نیم ساعت، راهی شویم. اما خبری نبود؛ مشخص هم نبود چرا مرز را بسته‌اند. گروهی می‌گفتند که خوردیم به صف کولبرها و چک کردن بار و بندل این‌ها، خیلی طول می‌کشد. مرزبانی ترکیه هم جوابی نمی‌داد...

گرما و صدای بچه‌ها داشت ز یاد می‌شد

خبری از باز کردن درها نبود. پشت ساختمان مرزبانی ایستاده بودیم تا درها را باز کنند. گرما داشت از درها می‌شد صدای بچه‌ها کم‌کم در آید. تانین جای کار را بدین در درس و با کمترین معطلی آمده بودیم، اما حالا... مردم مدام به نیروهای ترک اعتراض می‌کردند، آن‌ها هم چیزهایی می‌گفتند و بعد، هم چیز به انتظار می‌رسید. نه سایه‌بانی بود که زیر آن بایستیم، نه آبی، نه جایی برای نشستن؛ خورشید داغ مراد هم که

دیگر همه کلافه شده بودند. عده‌ای شروع کردند به جر و بحث و داد و بیداد با مرزبان‌های ترک و کارمندان مرزبانی. ترک‌ها هم داد و بیداد جوابی می‌دادند. حرف‌شان این بود که اصلاً دل‌مان نمی‌خواهد باز کنیم و هر وقت صلاح بدانیم باز می‌کنیم. صدای گریه بچه‌ها در زمینه داد و بیداد مسافران بلند شده بود. صدای مرزبان‌های ترک هم رفته رفته به آسمان می‌رفت. تشنگی و گرما و کلافگی و گرسنگی هم به مرحله تحمل ناپذیر نزدیک تر شده بود. مسافران می‌گفتند چه غلطی کردیم آمدیم وای کاش پای‌مان می‌شکست نمی‌آمدیم. مشکل دیگر این جابود که مرزبانی ایران کار مسافران را تندتر راه می‌انداخت

روایت‌هایی از بد رفتاری با توریست‌های ایرانی در مرز ترکیه به دست «توسعه ایرانی» رسیده که تکان دهنده است. سئوالی که در این میانه مطرح است این که: چه مرجعی باید از حرمت و عزت و حقوق توریست‌های ایرانی در کشورهای همسایه و دیگر کشورها دفاع کند؟

مستقیم به سر صورت‌مان می‌تابید. بچه داشت کلافه می‌شد. برایش با استفاده از چمدان سفری و پارچه‌ای که داشتم، سایه‌بانی ساخته بودم، اما گرما واقعا آزار دهنده و توانفرسا بود. صدای اعتراض مسافران و توریست‌های ایرانی بالاتر و بالاتر می‌رفت؛ ولی نیروهای مرزبانی ترک خودشان را موظف نمی‌دانستند که توضیح بدهند. مردم هم مدام صدای‌شان را بالاتر می‌بردند. بیشترشان می‌گفتند وضعیت ما را داشته باشید؛ هم پول می‌بریم کشورشان خرج کنیم، هم با ما این رفتار را می‌کنند. پدر و مادری با سه فرزندشان آمده بودند. بچه کوچک، نیاز به دستشویی داشت. نمی‌دانستند چه کار کنند. مادر خانواده غرولند می‌کرد که بچه الان خودش را خراب می‌کند و مردمی گفت که: «من چه کار کنم؟ به این تانین جای کار را بدین در درس و با کمترین معطلی آمده بودیم، اما حالا... مردم مدام به نیروهای ترک اعتراض می‌کردند، آن‌ها هم چیزهایی می‌گفتند و بعد، هم چیز به انتظار می‌رسید. نه سایه‌بانی بود که زیر آن بایستیم، نه آبی، نه جایی برای نشستن؛ خورشید داغ مراد هم که

داد و بیداد با مرزبان‌های ترک

دیگر همه کلافه شده بودند. عده‌ای شروع کردند به جر و بحث و داد و بیداد با مرزبان‌های ترک و کارمندان مرزبانی. ترک‌ها هم داد و بیداد جوابی می‌دادند. حرف‌شان این بود که اصلاً دل‌مان نمی‌خواهد باز کنیم و هر وقت صلاح بدانیم باز می‌کنیم. صدای گریه بچه‌ها در زمینه داد و بیداد مسافران بلند شده بود. صدای مرزبان‌های ترک هم رفته رفته به آسمان می‌رفت. تشنگی و گرما و کلافگی و گرسنگی هم به مرحله تحمل ناپذیر نزدیک تر شده بود. مسافران می‌گفتند چه غلطی کردیم آمدیم وای کاش پای‌مان می‌شکست نمی‌آمدیم. مشکل دیگر این جابود که مرزبانی ایران کار مسافران را تندتر راه می‌انداخت



به انبوه منتظران کلافه جمع ما مدام اضافه می‌شد. از دحام جمعیت رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. چند نفر با داد و بیداد و فحش، با کارمندان درگیر شدند. آن‌ها هم با توهین و بد رفتاری... جواب می‌دادند. کم‌کم ترس داشت به جانم می‌افتاد.

Go Back To Iran!

«Go Back To Iran»؛ مرزبان‌ها و کارمندان وقتی که اعتراضات بیشتر می‌شد مدام این جمله کوتاه را با عصبانیت و نفرت تکرار می‌کردند. کسی نبود به داد ما برسد؛ بی‌کس و بی‌کار و بی‌نان و زبیر گرما، گرفتار زبان نفهمی این مرزبان‌ها شده بودیم. ظهر را هم رد کرده بودیم و آفتاب هر چه قدرت داشت، داغی به سرمان می‌ریخت. فشار جمعیت را حس می‌کردیم. همه توی هم می‌لولیدند تا اگر در باز شد، جانمانند و به ون‌های ترک آن سوی مرز برسند. چقدر خوش خیال بودیم که فکر می‌کردیم ظهر نشده، به هتل مان در وان می‌رسیم. این وسط کولبرها هم به صف می‌زدند و بدون اعتنا به اعتراض بقیه، خودشان را به ابتدای صف می‌رساندند. هر جایی هم موفق نمی‌شدند، هل می‌دادند و همین، فشار جمعیت را بیشتر و بیشتر می‌کرد. مرزبان‌ها و کارمندان ترک هم که مدام توهین و داد و بیداد می‌کردند؛ کسی هم نبود به داد مسافران ایرانی برسد. نمی‌دانم چرا و چطور به خودشان اجازه عربده کشی می‌دادند. در مترجم گوگل نوشتم که این بار آخری است که به کشورتان می‌آیم و نشان یکی از آن‌ها دادیم؛ با دست هلم داد و گفت برگردید ایران. نکته غم‌انگیز ماجرا این‌جا بود که ترک‌هایی که به ایران آمده بودند و قصد بازگشت داشتند را بدون نوبت رده می‌کردند!

صدای عربده ترک‌ها قطع نمی‌شد

حالا دخترم بد شده بود. زوجی که معتقدان روحانیون همین شرق ترکیه، لب مرز می‌آمدند و نماز می‌خواندند تا کرونا سریع ریشه‌کن شود و دوباره توریست‌های ایرانی به شرق ترکیه بروند؛ اگر با چشم خود نمی‌دیدم باور نمی‌کردم...

آیا کشور های مقصد به هر گونه که مایل باشند، می‌توانند با ایرانی‌ها غیر محترمانه برخورد کنند و کسی نیست که از گردشگران ایرانی حمایت کند؟ به نظر می‌رسد که وزارت خارجه به دادن توضیحات واضح و بدیهی قناعت کرده و انتظار زیادی نباید از آن داشت

به گفته یک مسافر شهر وان، اگر وضعیتی که هفته گذشته در مرز رازی دچار آن شد، کمی به طول می‌انجامد، احتمالاً الان داشتیم از یک فاجعه در حد و اندازه فاجعه منادر مکه صحبت می‌کردیم؛ که البته نه خبری از آن به بیرون درز پیدا می‌کرد و نه کسی به خودش زحمت داد که در این باره پرس و جویی کند!

همسفر ما بودند، به دامان رسیدند. مرد دختر ک را بغل کرد که زیر دست و پانماند؛ که اگر نبود، خدا می‌داند چه مصیبتی در انتظارش بود. بچه‌های دیگر خون دماغ شده بودند. چند نفری هم زیر دست و پا بودند. جلو ورودی راهروی مرزبانی ترکیه، خون ریخته شده بود. ناخن پای زانهای هم کامل در آمده و گوشه‌های خودنمایی می‌کرد. صدای داد و بیداد مردم قطع نمی‌شد؛ صدای عربده‌های مرزبان‌ها و کارمندان نیز. با هر مصیبتی بود، خودمان را رساندیم به آن سوی مرز.

دوباره برمی‌گردید

باید مقداری لیبر می‌خریدم. یک بنده‌خدايي با قیمت مناسب مقداری لیر به من داد. سر دردل مان باز شد؛ فارسی هم بلد بود. گفتم غلط می‌کنم دیگر به ترکیه بیایم و مجبور باشم از میان این مرزبان‌ها عبور کنم؛ انسانیت ندارند اصلاً. مرد لیر فروش، لیخندی زد و گفت: «همه مسافران وقتی رفتار مرزبانی را می‌بینند، همین‌ها را می‌گویند؛ ولی شش ماه بعد دوباره همه‌شان را می‌بینم که برمی‌گردند.» می‌گفت: «ایرانی‌ها اگر به ترکیه نروند، این‌ها با این توری می‌گردانند؛ به مشکلات حادی برمی‌خورند. تعریف می‌کرد: «زمانی که کرونا شده بود، مرزها بسته بود و طبیعتاً هیچ ایرانی نمی‌آمد. با چشم‌های خود دیدم که معتقدان روحانیون همین شرق ترکیه، لب مرز می‌آمدند و نماز می‌خواندند تا کرونا سریع ریشه‌کن شود و دوباره توریست‌های ایرانی به شرق ترکیه بروند؛ اگر با چشم خود نمی‌دیدم باور نمی‌کردم...

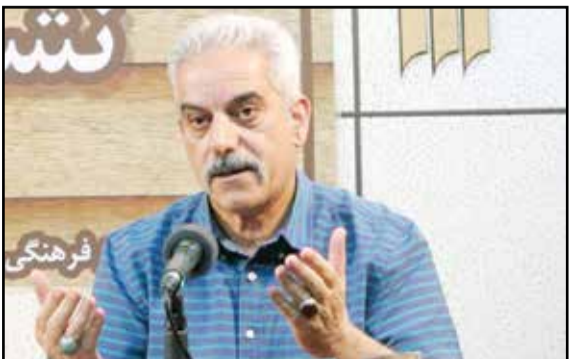
و این خاطره‌اش، واقعا داغ دل‌م را تازه‌تر کرد؛ که این همه نیازمند توریست‌های ایرانی هستند و اینقدر هم توهین می‌کنند. حتم دارم اگر درهای ساختمان مرزبانی ترکیه یک ساعت دیرتر باز می‌شد، فاجعه‌ای دیگر رخ می‌داد؛ واقعا ترس به جان مان افتاده بود...

دغدغه‌های اجتماعی داشت و هم کتاب می‌نوشت و هم اهل رسانه و ارتباط با مردم بود چرا که باور داشت تاریخ را نباید در پستو نگاه داشت و به جای تکرار طوطی وار دروسی مشخص در سال‌های متمادی و فراتر از امور دیگر تاریخ را در بطن و متن مردم می‌جست و شکوفایی کرد.

رحمانیان در دوران اوج کرونا در اقدامی بی‌سابقه در تدوین کتابی درباره تاریخ کرونا همگامی و منتظر اتمام این بلیه نماند و نگاه زنده به تاریخ را به عرضه آورد.

چند نوبت هم بی‌هیچ خواست و منت به تقاضای این تارنما برای گفت و گو پاسخ مثبت داد و نویسندگان ما ز یافته‌های او بهره‌های فراوان برداند و از این رو هم امیدواریم حذف دروس دکتر رحمانیان یک سوء تفاهم باشد و این شایعه درست نباشد که با حذف استادی که غیر خودی می‌پندارند جا را برای استادان خودی باز می‌کنند تا از یک طرف حامیان را به شغل و جایگاهی رسانده باشند و از جانب دیگر حضور استادان باسواد فاش کننده میزان سواد تزیق شده‌های تازه نباشد. وجه تاسف بار تر قضیه این است که سال گذشته و پس از اعتراضات مهسا از تریبون‌های رسمی گفته می‌شد که سب‌های آزاد اندیشی در دانشگاه‌ها برپا می‌شود و حال‌ها تنها از تحقق آن وعده خبری نیست که به حذف درس استادانی رو آورده‌اند که از نیروی عقل نقاد خود در تحلیل استفاده می‌کنند و عین عبارات و القانات صدا و سیما و مقامات رسمی را تکرار نمی‌کنند.

از رئیس جمهوری هم انتظار می‌رود دستور دهد هر چه سریع تر دست‌اندازی و تعرض به حریم دانشگاه متوقف شود. از یاد نبرده‌ایم که ابراهیم رئیسی چه در انتخابات ریاستی ۹۶ چه در انتخابات خاص ۱۴۰۰ می‌کوشید این تصور را بزادید که قصد بستن فضا را دارد.»



احتمالی او را مایه دل سردی دیگر استادان و دانشجویان تاریخ دانسته است. هر چند نامه محدود به موارد اشاره شده بالاست اما این یادآوری از جانب ما نیز جا دارد که رحمانیان با مردم نامه حضور رسانه‌ای هم دارد و یک شخصیت فرهنگی اجتماعی به حساب می‌آید که نزد بسیاری یادآور چند شخصیت وجهی زنده یاد دکتر باستانی پاریزی است که هم در دانشگاه تاریخ در درس می‌داد و هم در بیرون

در ادامه روند تعلیق و اخراج در دانشگاه‌ها انجام شد:

حذف استاد برجسته تاریخ از دانشگاه تهران

در ادامه روند تعلیق و اخراج اساتید دانشگاه؛ داریوش رحمانیان، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران تعلیق شده و در آستانه اخراج قرار دارد. به گزارش سایت دیده‌بان ایران؛ بهزاد کریمی، تاریخ‌نگار و نویسنده؛ از تعلیق داریوش رحمانیان، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران و احتمال اخراج او خبر داد و نوشت: «اخبار نگران کننده به گوش می‌رسد. دوست و همکار عزیز و فرهیخته ما، دکتر داریوش رحمانیان از سوی دانشگاه تهران در حالت تعلیق قرار گرفته و در آستانه اخراج است.»

دست‌اندازی و تعرض به حریم دانشگاه متوقف شود

سایت عصر ایران نیز در همین راستا نوشت که «دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ در نامه‌ای سرگشاده به وزیر علوم از حذف واحدهای درسی دکتر داریوش رحمانیان، استاد سرشناس تاریخ دانشگاه تهران در نیمسال تحصیلی پیش رو و خبر داده و فراتر از آن از زمزمه‌هایی دایر بر اخراج او ابراز نگرانی کرده است. این اتحادیه در نامه خود خطاب به زلفی گل از دکتر رحمانیان به عنوان یکی از استادان برجسته و دل‌سوز رشته تاریخ یاد کرده که در اشاعه فرهنگ و آرایه سخن‌رانی‌های علمی در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران کوشا بوده و حذف